

MARVEL

3

PETER DAVID
GREG LAND
JAY LEISTEN
FRANK D'ARMATA

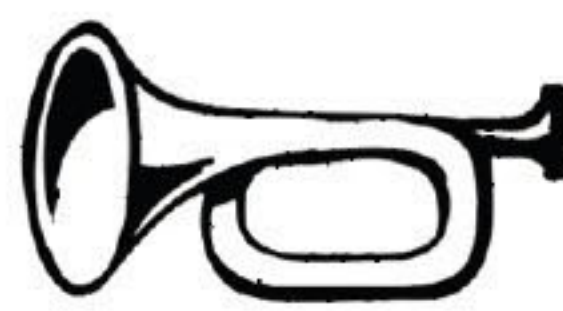
EMERALD EYE SPIDER-MAN



LAND
fgd

★★★★★
FINAL

باگل



دیلی

برترین روزنامه نیویورک

SINCE 1897
★★★★★
\$.25 (in NYC)
\$.75 (outside city)

در این شماره: پانیشر آزاد شد - فرنک کسل از زندان جزیره رایگر فرار کرد!
بروس بنر و بتی راس با هم ازدواج کردند!

اسپایدر / میستریو
همکاری می کنند!

اسپایدر من با مجرم شناخته شده
سر و سری دارند مراقب نقشه های
پلید آنها باشید قبل از اینکه دیر
شود!



بازی های مسخره بالای پشت بام؟

امشب جسدی در پشت بام یکی
از ساختمان های منهدن پیدا شد.
جراحات داخلی متوقف شدند ولی
دلیل مرگ ناشناخته است.

PETER DAVID **WRITER** | GREG LAND **PENCILER**

JAY LEISTEN **INKER** | FRANK D'ARMATA **COLORIST**

VC's JOE SABINO **LETTERER** | GREG LAND & FRANK D'ARMATA **COVER ARTISTS**

RON LIM & ISRAEL SILVA; ALEX SAVIUK & CHRIS SOTOMAYOR **VARIANT COVER ARTISTS**

DANNY KHAZEM **ASSISTANT EDITOR** | DEVIN LEWIS **EDITOR** | NICK LOWE **EXECUTIVE EDITOR**

C.B. CEBULSKI **EDITOR IN CHIEF** | JOE QUESADA **CHIEF CREATIVE OFFICER** | DAN BUCKLEY **PRESIDENT** | ALAN FINE **EXEC. PRODUCER**

SPIDER-MAN CREATED BY STAN LEE & STEVE DITKO



با کی داری حرف می زنی؟



آآآ... آقای فیسک، این...



این... یه صندلی... خالیه...
...چووون من دارم با خودم حرف می زوم. بعضی وقت ها از این کارها می کنم.
وقتی فکر می کنم. بعضی وقت ها.



بعضی وقت ها. بله. یعنی همیشه... می دونم معنییش چیه.

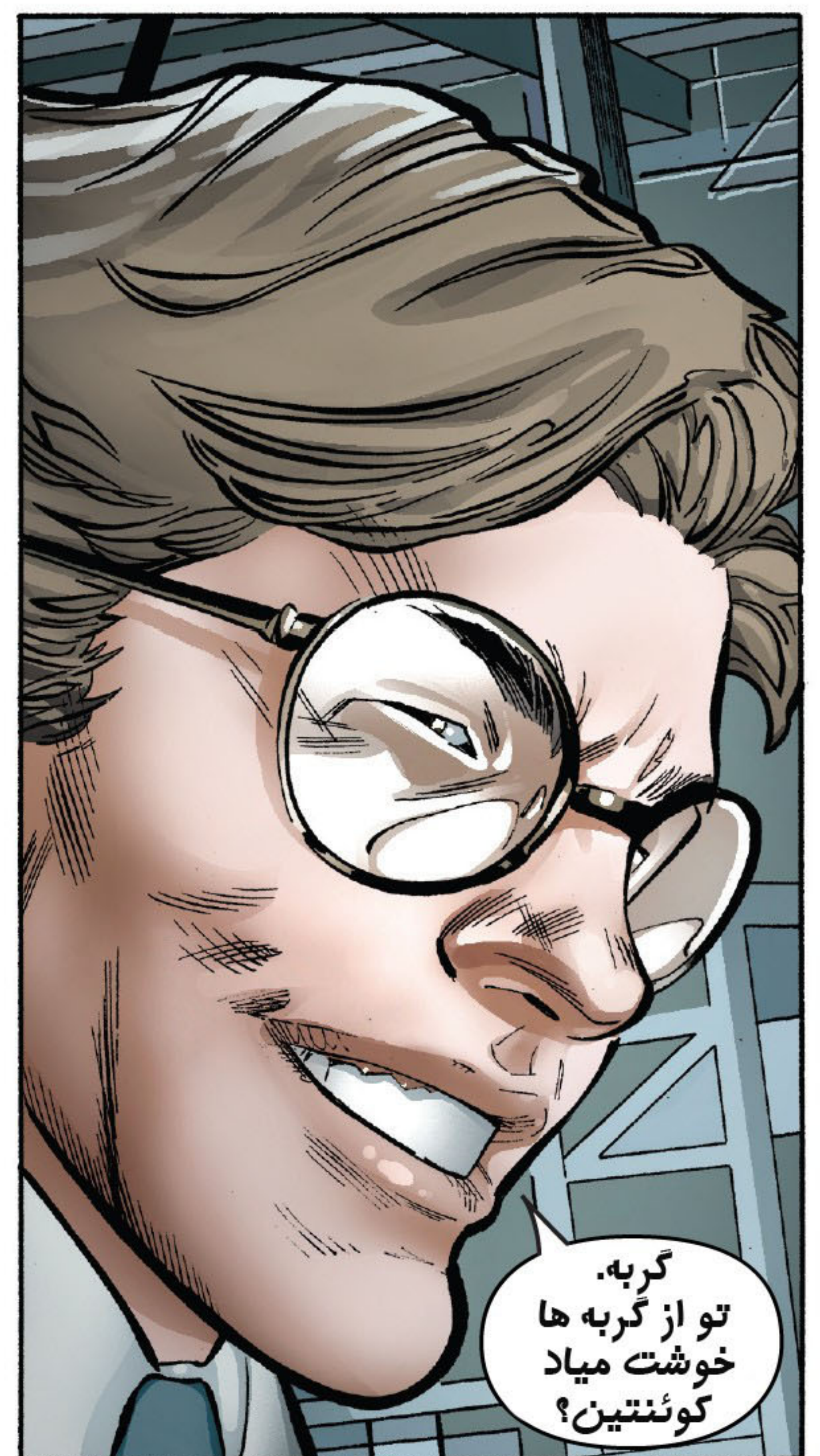


همینجور نشین با خودت حرف بزنی. کار بکن.
من تو رو استخدام کردم در مورد قدرت های کلوک تحقیق کنی و راهی برای شبیه سازیش پیدا کنی.*

در مردعنکبوتی خارق العاده شماره ۹۷ در مورد آن بخوانید.



بله قربان، آقای فیسک.



یه طرفه
باشید! من دارم
میام!

آشغالاتونو تکون
بدید!!!



این... این
یه نمایشه؟

یه کم پیاز
داغشو زیاد کردیم.
همزمان با شیرین کاری
دیزنی همه سعی
می کنند هر چی دارند
رو کنند.

این آخرین
باریه که نقشه
منو خراب می کنی
اسپایدی!

همینجا باید
تمومش کنیم!





سلام دنی.
قانونیش کردند.
نمی تونی تو محیط های
داخلی سیگار بکشی.

به پلیس
خبر بده. بهتره
به یه ابرقهرمان
خبر بدی.



هی! سیگار
کشیدن ممنوعه!
مگه نمی دونی این
چیزها می تونه
بکشتت؟

یا خدا!!!



الان
سریع بزن
کنار!
اعتیاد به
مواد هم ممنوعه.



اسپایدرمن!

اسپایدرمن!!!



آیا هر کاری
که یه عنکبوت
می تونه...

هه!

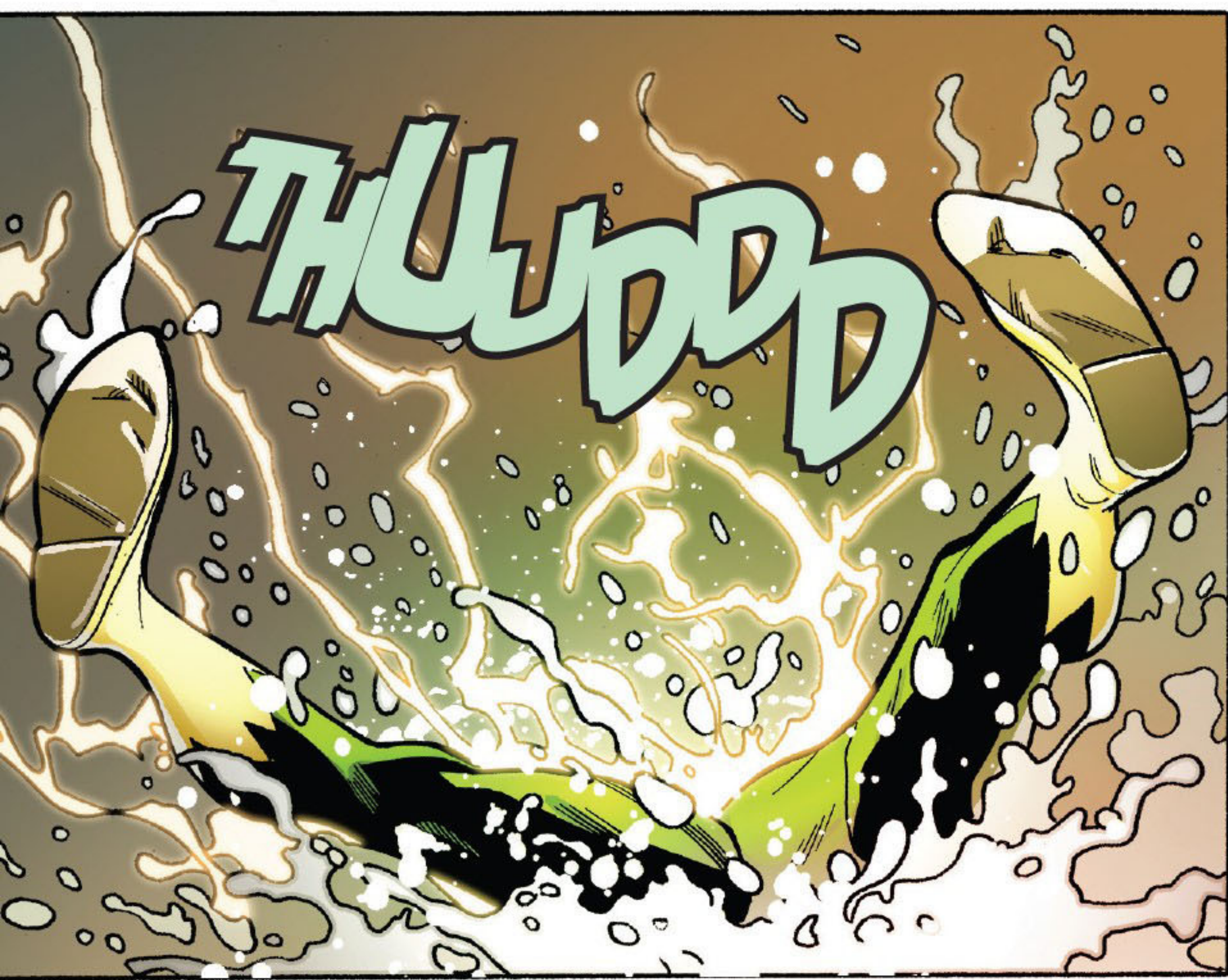


طعمه خودش
رو می کشه، و
کامل می خوره وقتی
گرسنه باشه...



شوخی کردم.
شاید.







زیباست.

باید مؤثر باشه.
امیدوارم بتووند
این بار الکترو رو تو قوطی
نگه دارند...



هی
اسپایدی. زیر
لب روایت می کنی؟

ترجیح
می دم بهش
بگم تفکر.

هر چی.



می دونی
چییه؟ باید به زن
عموت بگی کی
هستی.

هاه؟
چی؟ صبر کن
بینم چی؟

فکر کنم
باهاش خوب کنار
بیاد.



فلیشیا،
همین الان هم
قلبش داره با باتری
کار می کنه.

اگه در مورد
نیمه پنهان زندگیم
بهش بگم، یا بستری
می شه یا قبض روح
می شه.



اگه هنوز یه نوجوون بودم
شاید می تونست درک کنه.

ولی
الان. غیر
ممکنه.

تازه، تو از
کجا درباره زن عم
می می دونی؟



ما... گپ زدیم.



گپ زدید؟ کی؟

وقتی منو تو قبرستون ولم کردی و... خیلی ممنون که سر کارم گذاشتی.

سر میستریو چه بلایی اومد؟

موضوع رو عوض نکن! بگو ببینم با زن عموی من راجع به چی حرف زدی؟*

مراجعه شود به مرد عنکبوتی سیمیوتی #1.



معلومه! در مورد تو حرف زدیم. اون خیلی دوستت داره.

ایکاش کسی مثل اونو تو زندگیم داشتیم تا در مورد همه چیز باهش حرف بزنم.

به این سادگی ها نیست!

شاید هست و تو داری پیچیدش می کنی.



شاید هم انقدر باهوش ترین فرد اطراف خودت بودی که فکر می کنی طفلک فلیشیا نمی تونه حرف درستی بزنه!

اصلاً اینطور نیست. حرف تو ذهن من نذار!

چرا نه؟ اونهایی که تو ازشون استفاده می کنی همچین عالی نیستند.

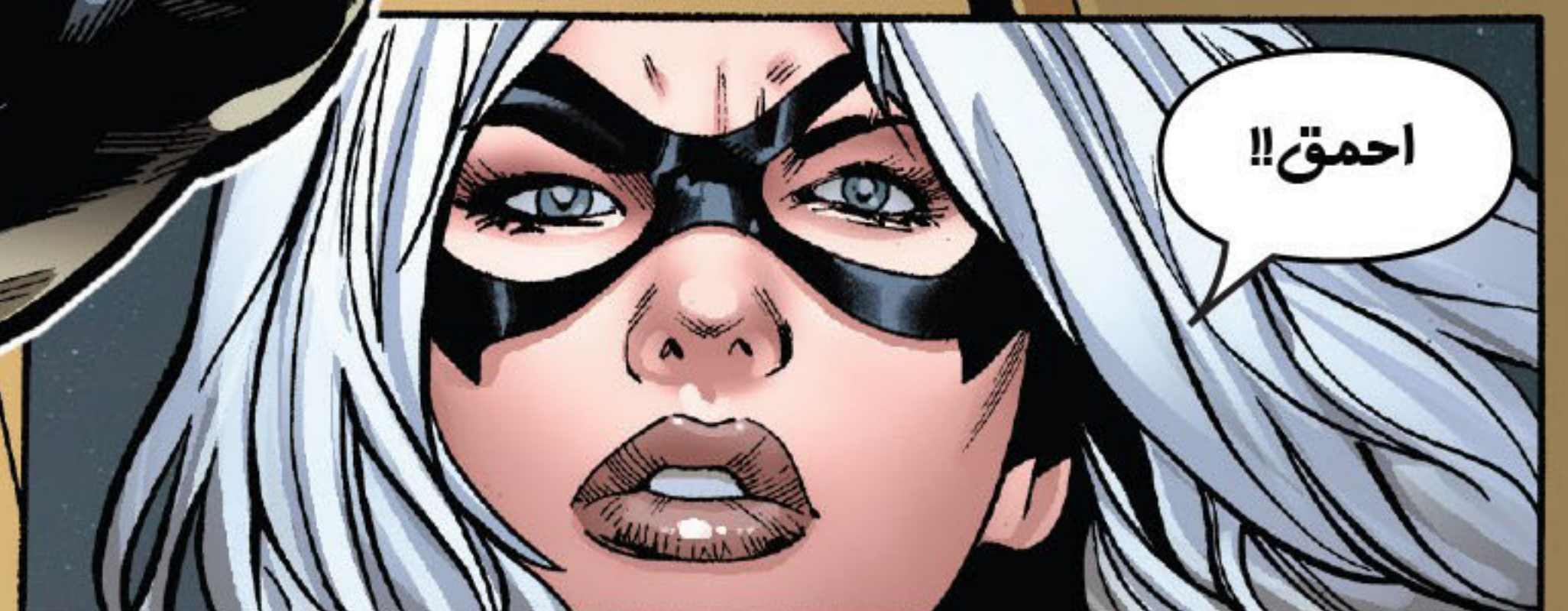


THWIP

می دونی؟ قبل از اینکه چیزی بگم که پشیمون بشم این بحث رو قطع می کنم.

مگه ممکنه؟

شاید بعداً دیدمت.



احمق!!



خدای
من، بعضی شب‌ها
شک می‌کنم که
چرا دوستش دارم.



اصلاً واقعاً
دوستش دارم؟ یعنی
فقط وقتی که مرد عنکبوتیه
برام مهمه. نه وقتی...

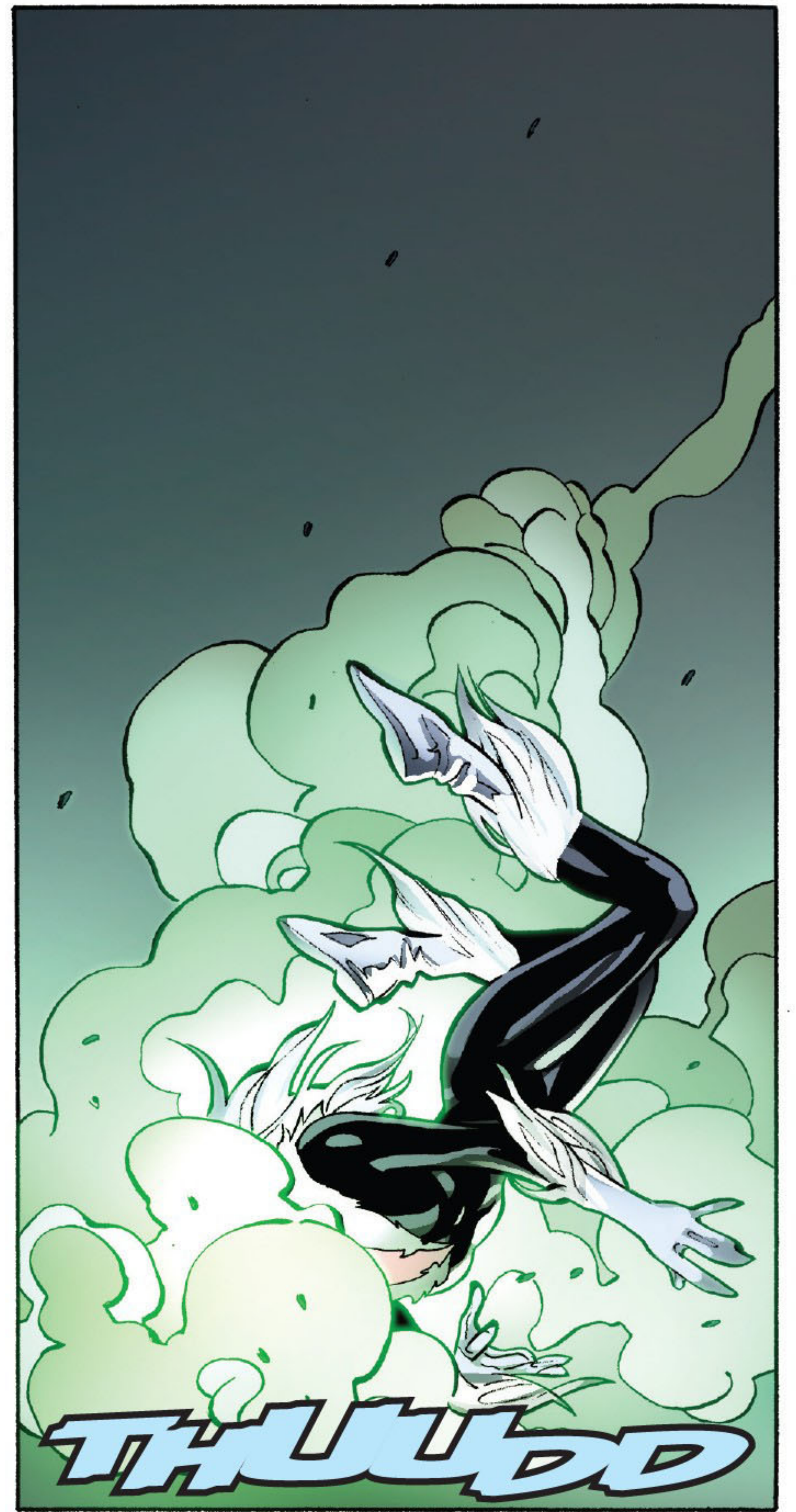


ااااا!!!

با کمال
میل... به بلند
بلند فکر کردن
ادامه بده.

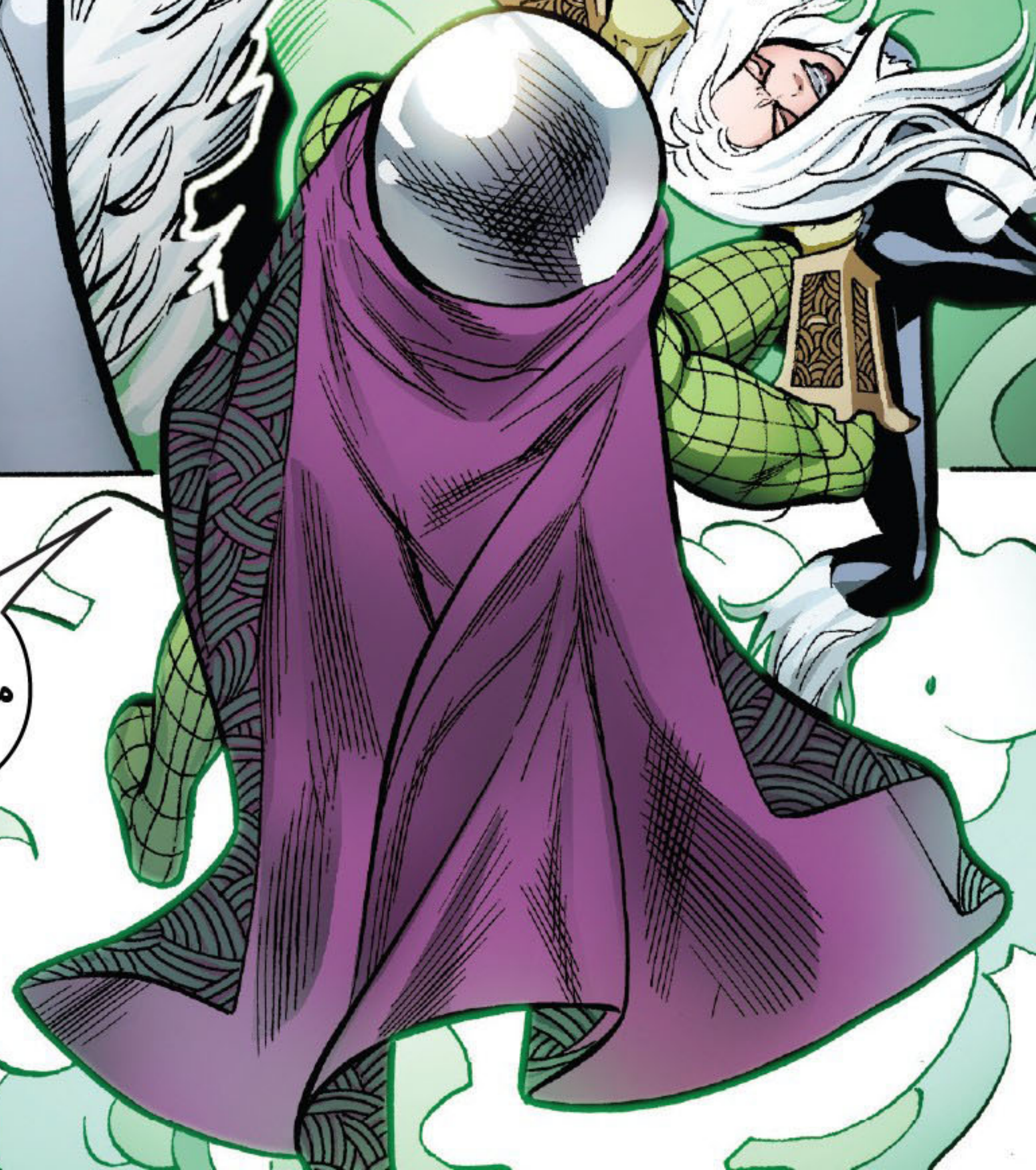


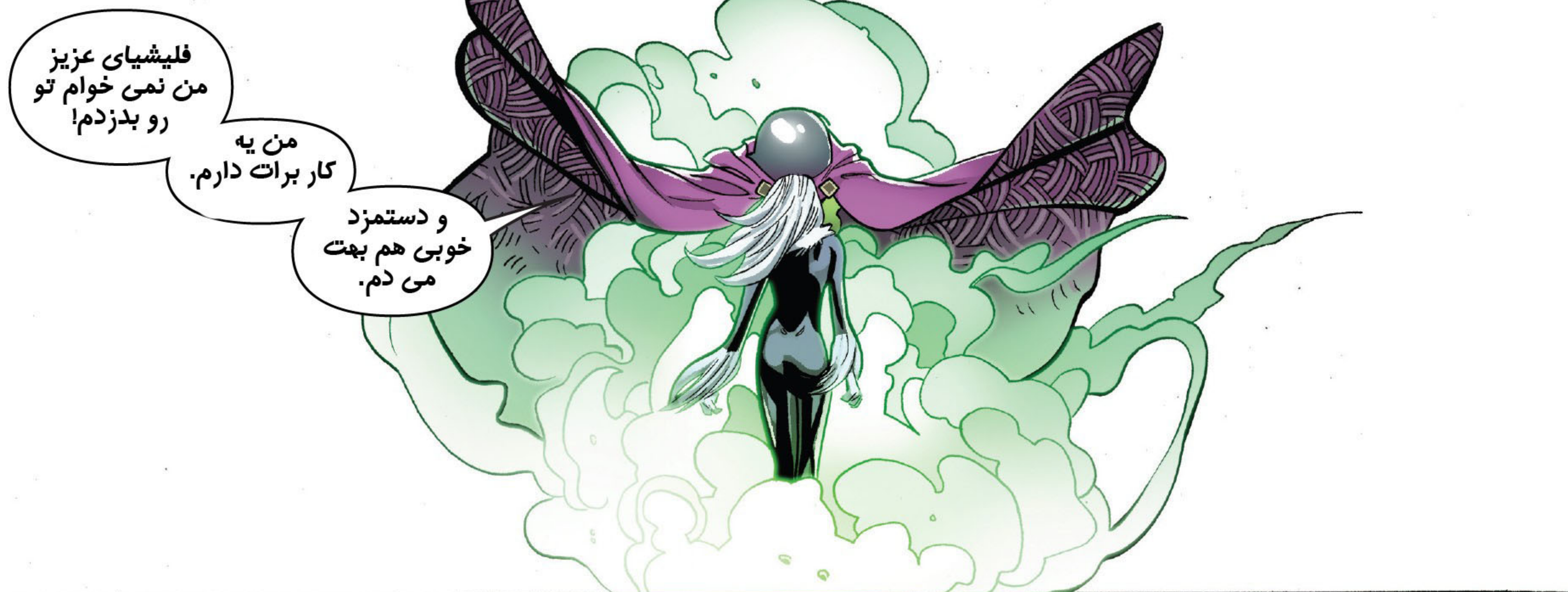
نذار مزاحم
افکارت بشم.



یالا
خودتو آزاد
کن..

نامیدم
نکن فلیشیا.
می دونم می تونی
این کارو بکنی.





فلیشیای عزیز
من نمی خوام تو
رو بدزدم!

من یه
کار برات دارم.

و دستمزد
خوبی هم بهت
می دم.



یه...
کار؟

مثل...
چی؟ دزدیدن چیزی؟

فقط بخشی
از یه چیز.

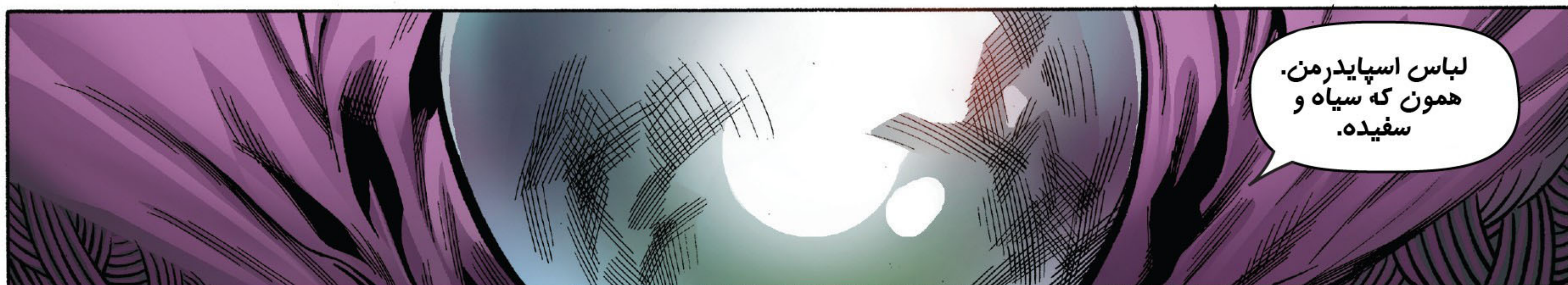
متوجه نمی شم.



ببین عزیزم
این یه تیغ جراحی
لیزریه. و این هم یه
ظرف.

یه چیزی
هست که من یه
نمونه از اون رو لازم
دارم. از این استفاده کن
تا اونو برام بیاری.

اون چیه؟



لباس اسپایدرمن.
همون که سیاه و
سفیده.



ازم می خواهی
به دوستم خیانت کنم؟
امکان نداره! به هیچ
وجه! تمام پول دنیا هم
نمی تونه باعث بشه این
کارو بکنم!



خوب. پس.
تطمیع نشدی!

پس یه
نگاهی به چیزی
که روی میزه
بنداز.



خدای من.

آه. پس
تو می دونی
اون چیه.



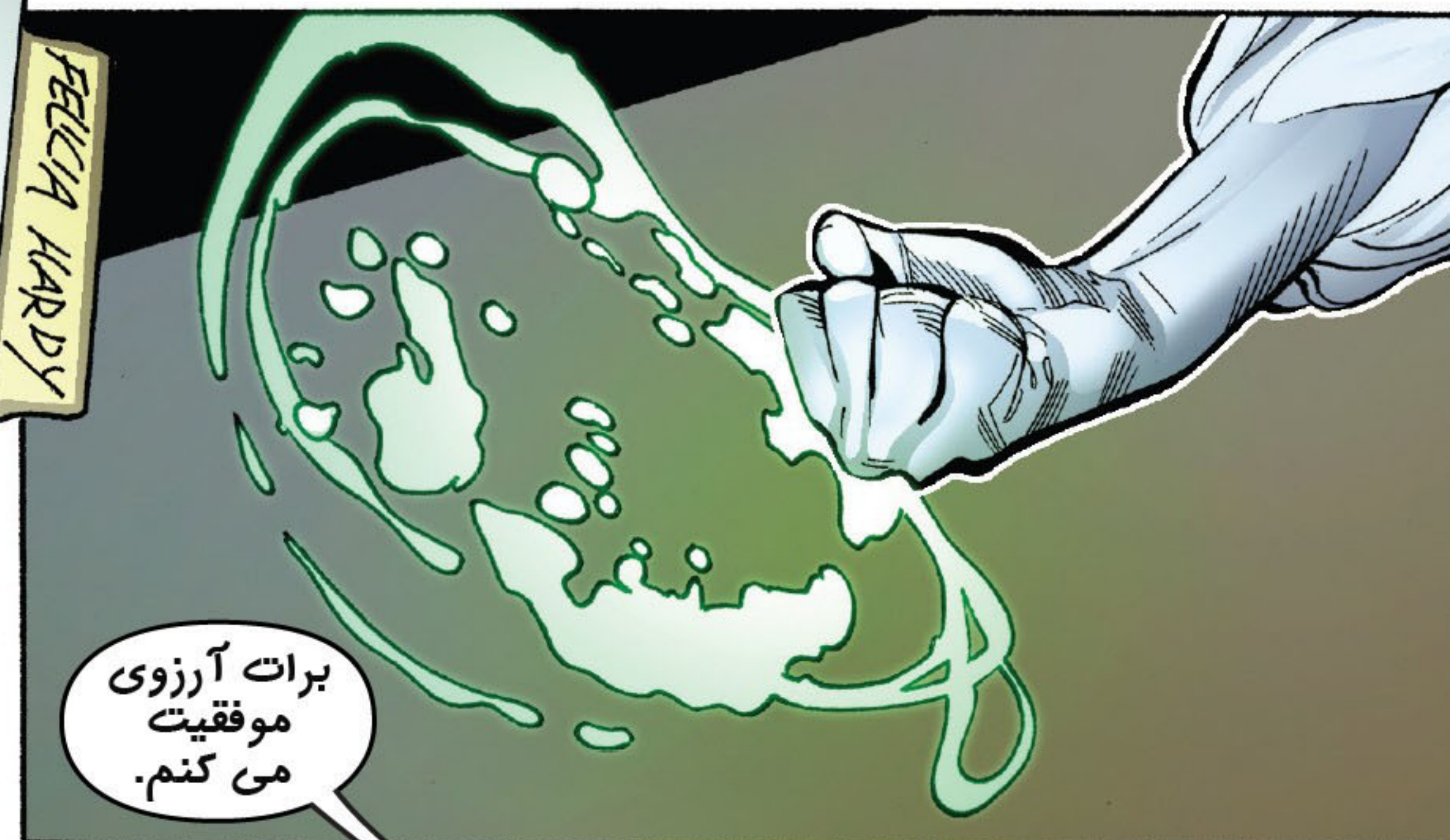
و جزئیات اینکه
چطور کینگ پین حامی
قدرت های بدشانس
تو بوده.

همه چیزهایی
که به همکاری تو
با بزرگترین دشمن
اسپایدرمن شهادت
می ده.

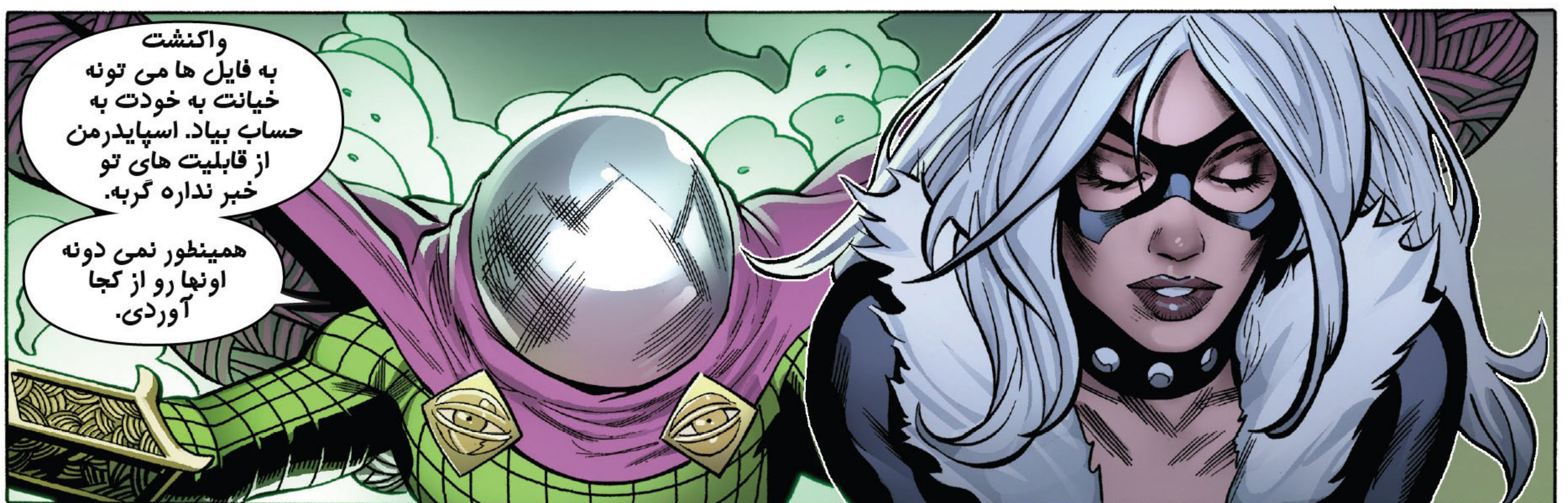
خیلی کامله.



اگه
بسوزونمش
چی؟

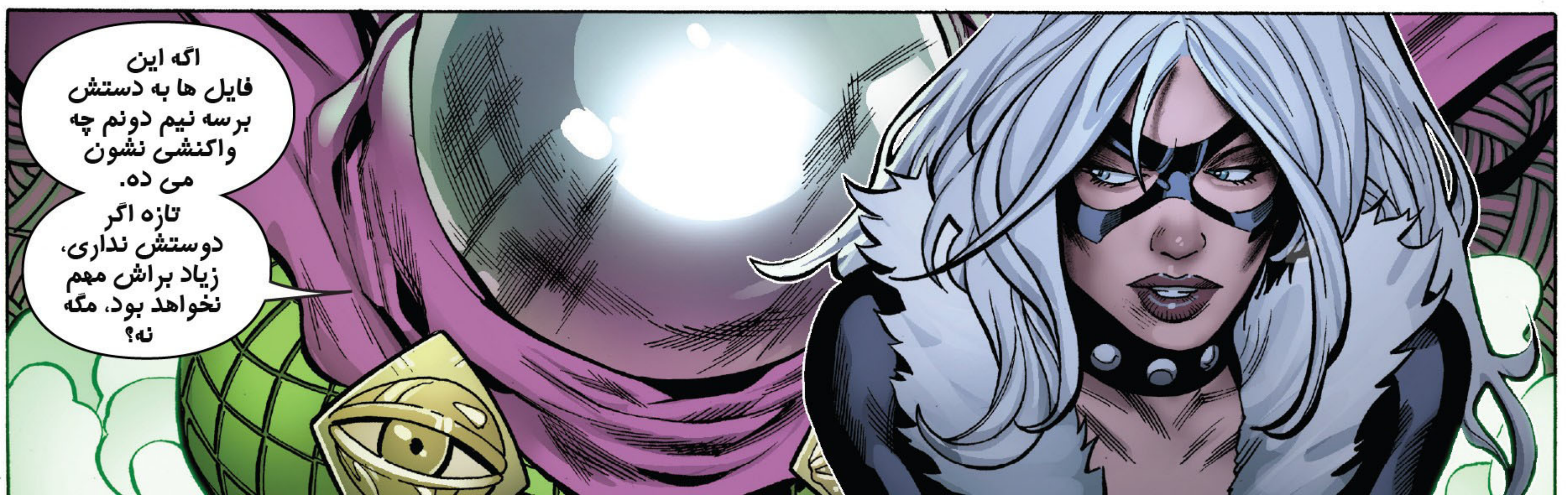


برات آرزوی
موفقیت
می کنم.



واکنشت
به فایل ها می تونه
خیانتت به خودت به
حساب بیاد. اسپایدرمن
از قابلیت های تو
خبر نداره گربه.

همینطور نمی دونه
اونها رو از کجا
آوردی.



اگه این
فایل ها به دستش
برسه نیم دونم چه
واکنشی نشون
می ده.

تازه اگر
دوستش نداری،
زیاد براش مهم
نخواهد بود. مگه
نه؟



اووو فففت!



باشه! پس
تصمیمت رو
گرفتی!

مطمئنم که از
مطالعه اونها
لذت خواهد برد!



صبر کن!

برای چی?



پشیمون
نمی شی.



همین الان
هم پشیمونم.



اون تیغ
جراحی لعنتی رو
بده به من.

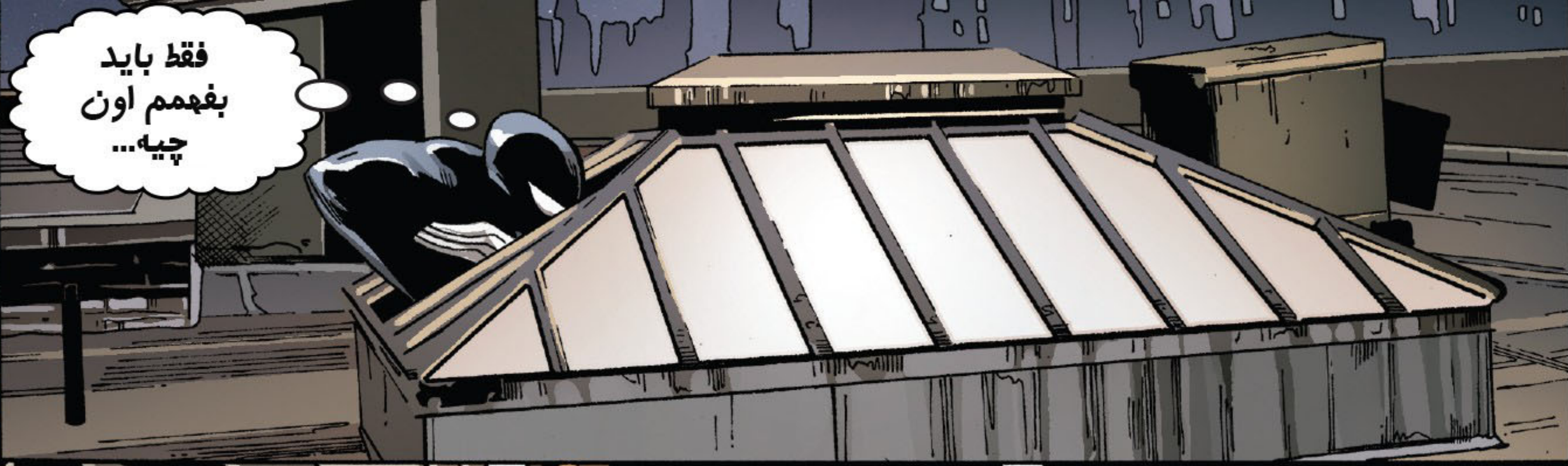


امیدوار بودم
گشتن به دنبال میستر یو
ذهنم رو از مشاخره ای
که با فلیشیا داشتم
منحرفه کنه. ولی این
اتفاق نصفه افتاد.

امروز عصر هیچ
نشونه ای از میستر یو
نیست. ولی امکان نداره
به این سادگی ها میدون
رو ترک کرده باشه.

اون یه
نقشه بزرگتر
داره. همیشه
همینطوره.

فقط باید
بفهمم اون
چییه...



لعنتی!
حس عنکبوتی!

یه نفر
اینجاست!



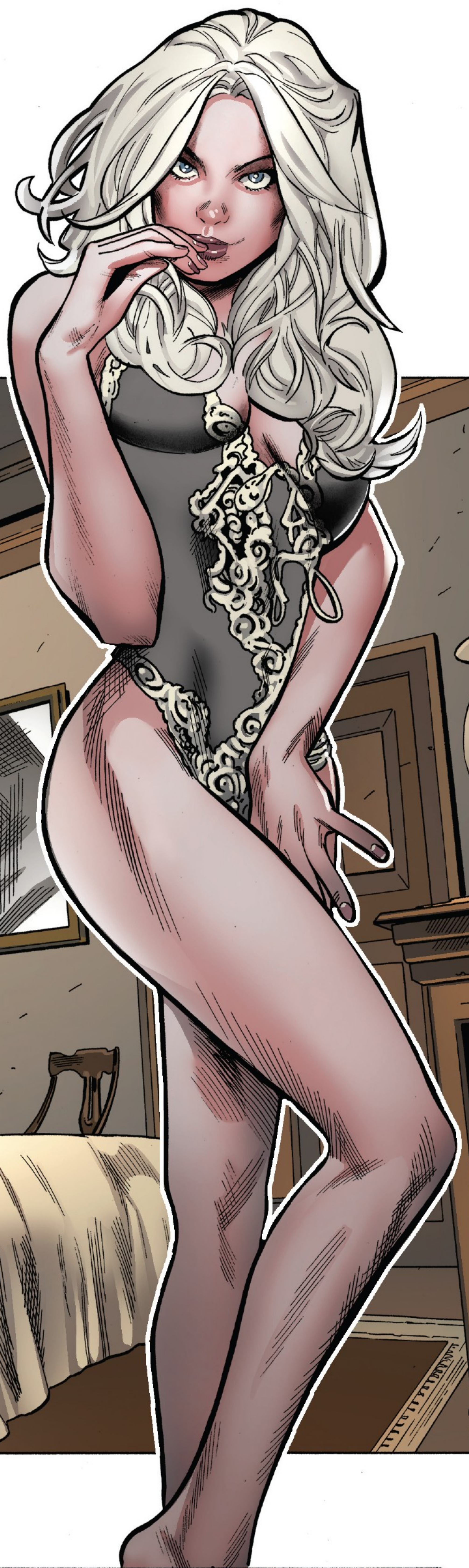
مشکلی نیست
عنکبوت. منم!

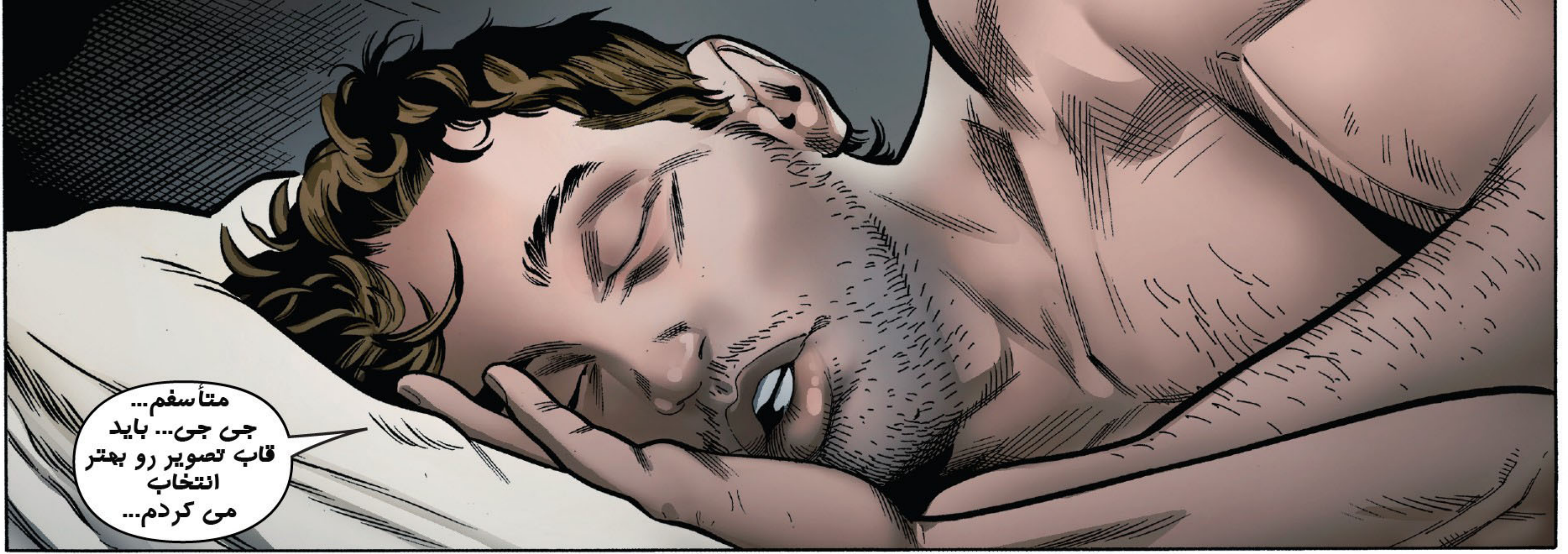
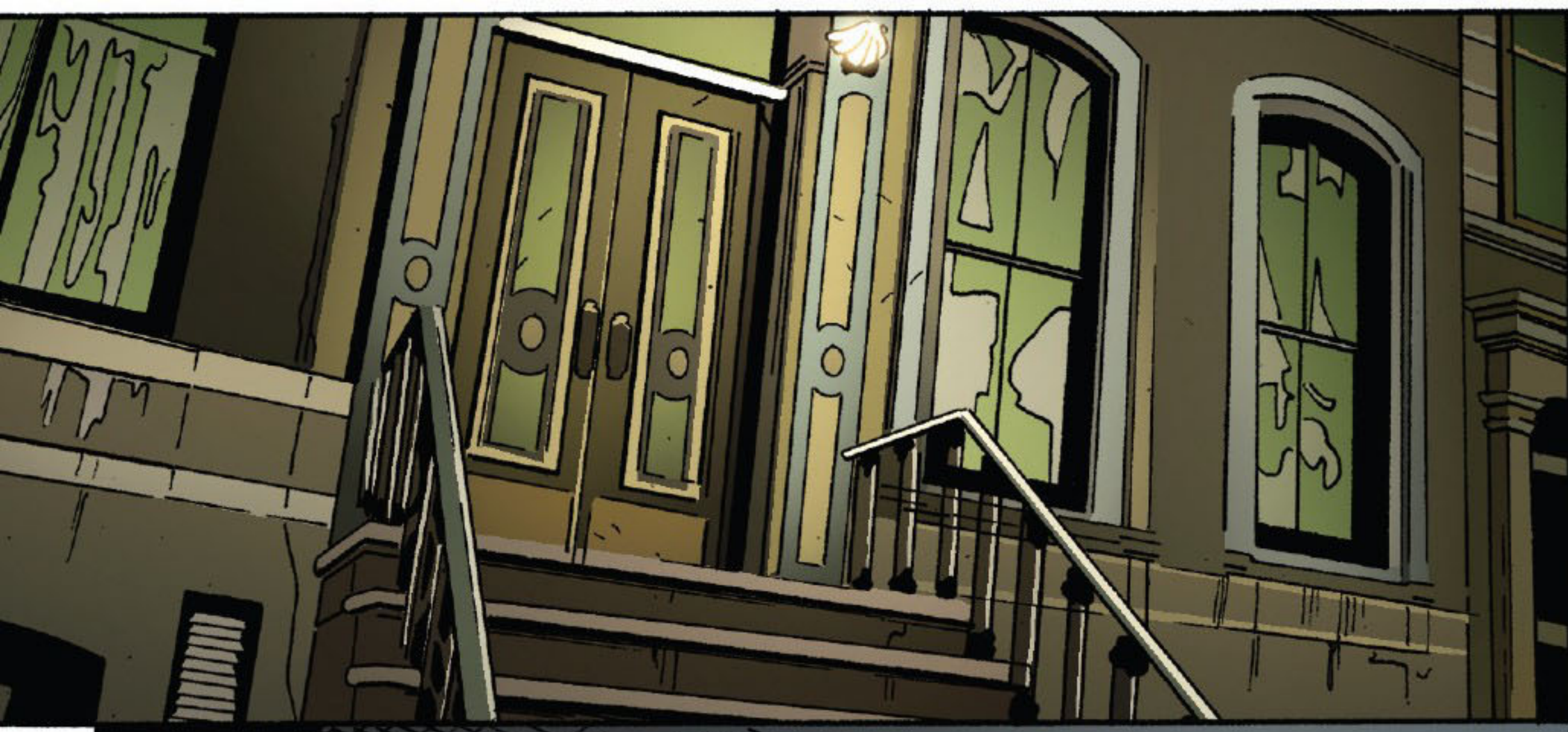
فلیشیا؟



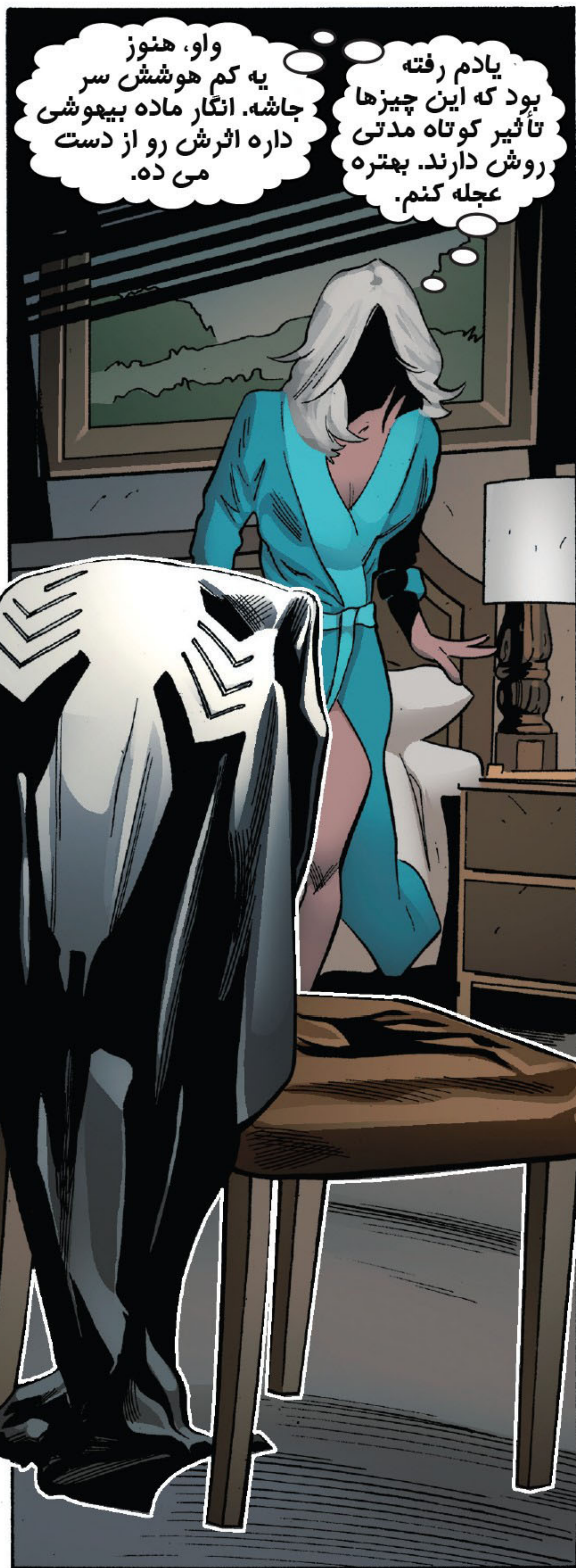
آره.

فلیشیا،
اینجا چیکار
می کنی؟





متأسفم...
جی جی... باید
قاب تصویر رو بهتر
انتخاب
می کردم...

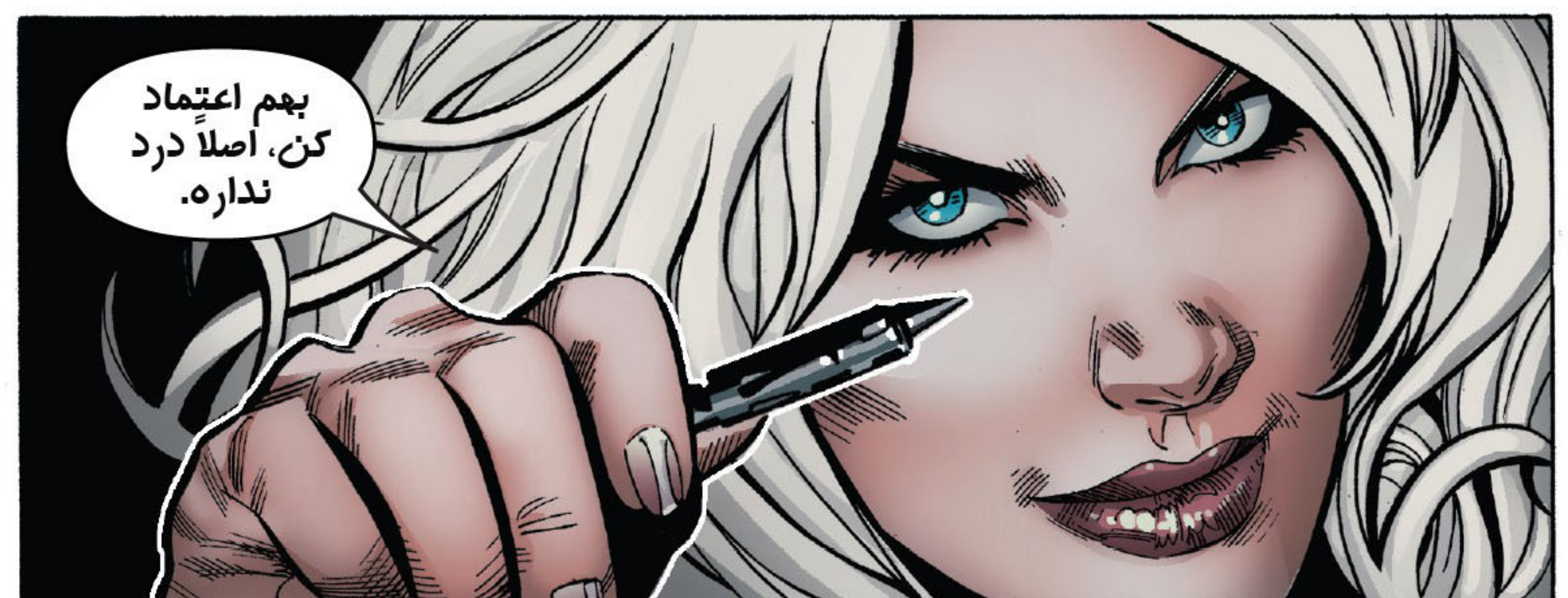


واو، هنوز
یه کم هوشش سر
جاشه. انگار ماده بیهوشی
داره اثرش رو از دست
می ده.

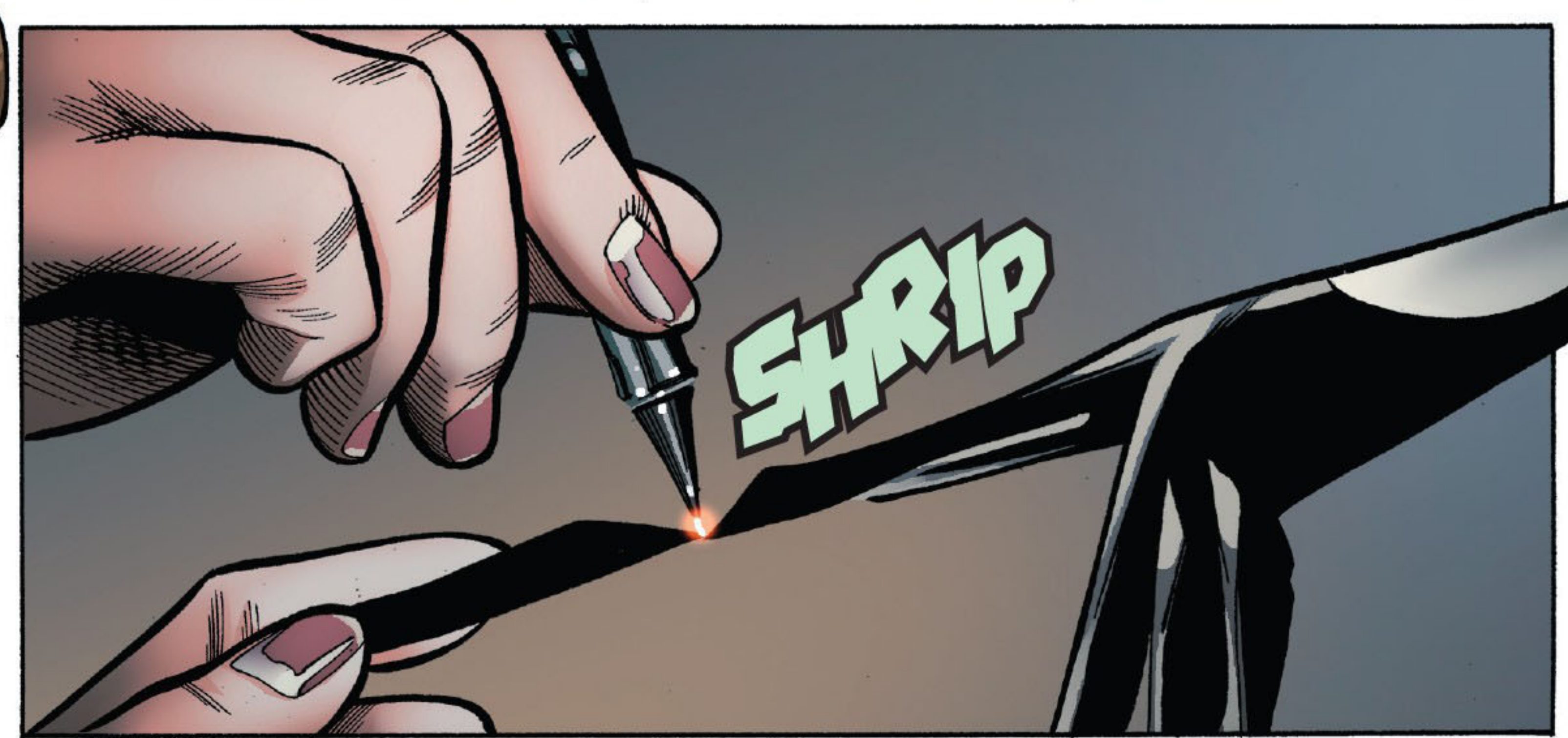
یادم رفته
بود که این چیزها
تاثیر کوتاه مدتی
روش دارند. بهتره
عجله کنم.



از دستم
لیز نخوری...



بهم اعتماد
کن، اصلاً درد
نداره.



SHRIP



نمی توئم باور کنم انقدر ساده پیش رفته باشه.

مشکل بعدی اینه که وقتی اسپیدی ببینه بخشی از لباسش نیست چکار می ...



هاه؟

چه... زود دوباره رشد کرد؟ به این سرعت؟



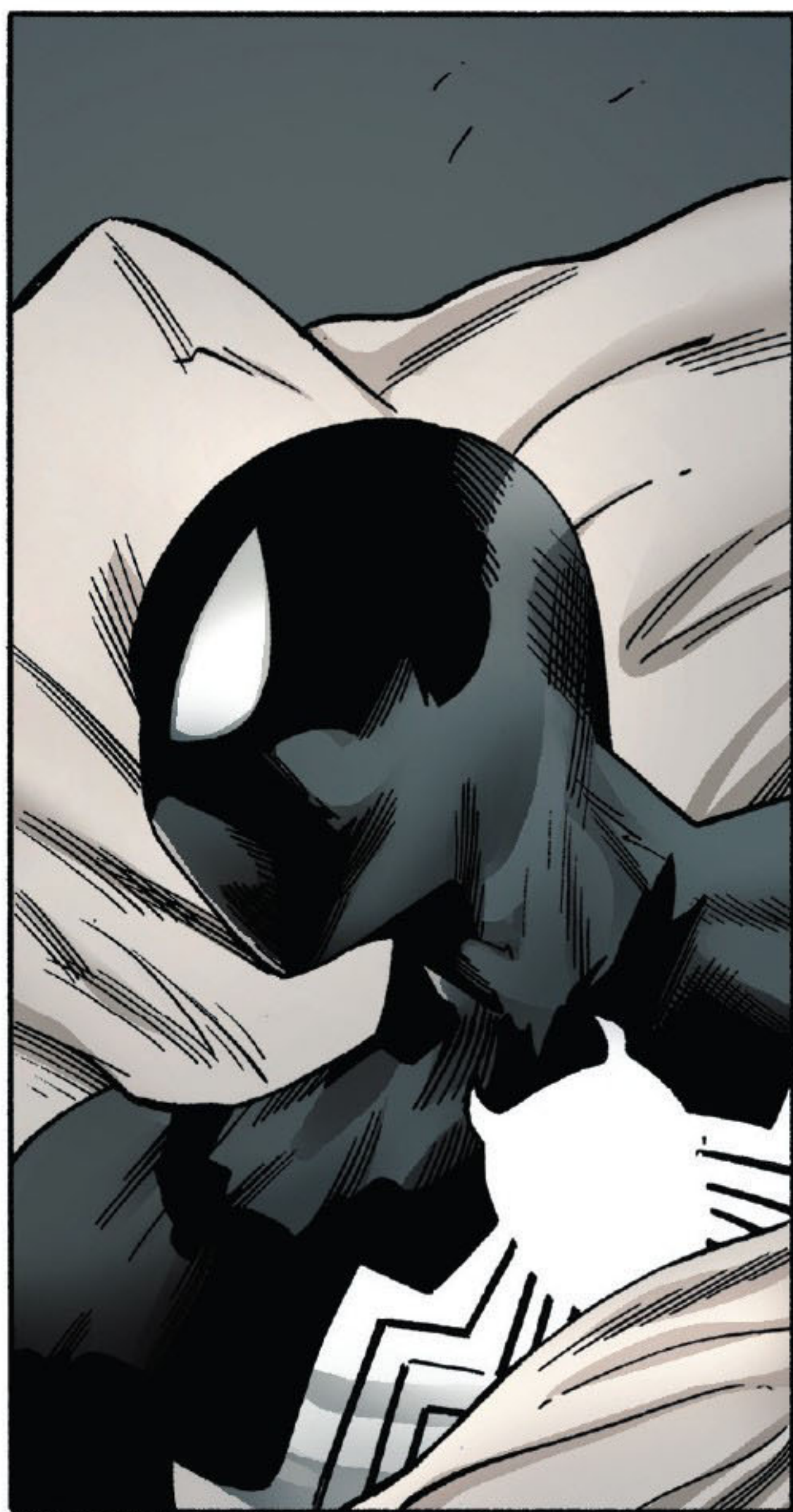
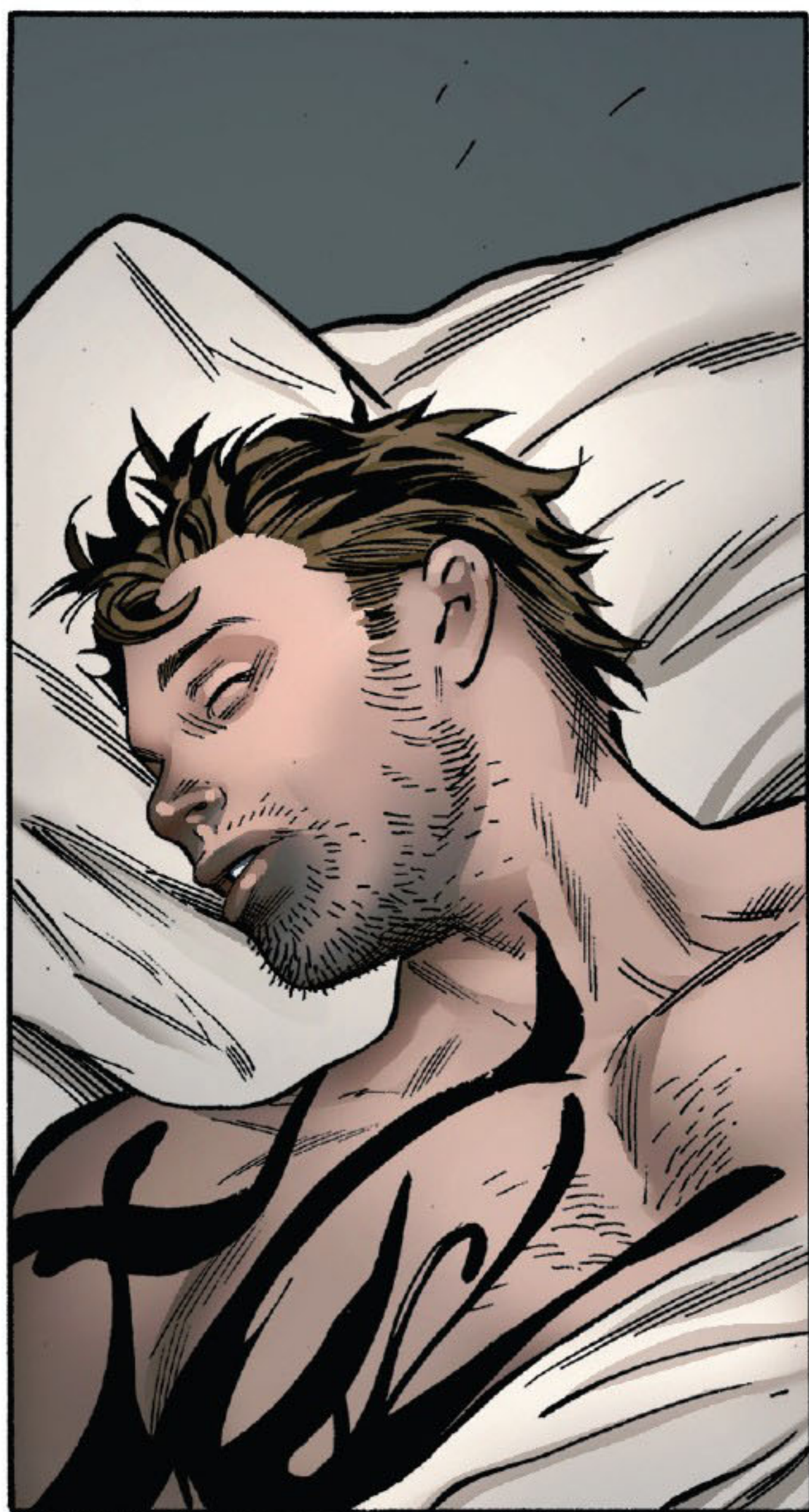
باشه... خوب. ساده تر از اونى بود که فکر می کردم.



می دونم نباید حس گناه کنم. این کارو فقط برای حفظ رابطه ام با اون لنجام دادم. من ... دارم کاردرست رو انجام می دم.



ولی چرا همه اش حس می کنم کار غلطیه؟



قسمت بعدی: خیانت بلک کت!
کنک کاری کینگ پین! هیجا بیشتر به روش مارول!

★★★★★
FINAL

باگل



برترین روزنامه نیویورک

دیلی

SINCE 1897
★★★★★
\$.25 (in NYC)
\$.75 (outside city)

قسمت بعدی: شماره ۴





باید از اونجا می زدم بیرون.



پدرم... اون همیشه از دست من عصبانی بود. همیشه می گفت مایه سرافکنندگیم. یه سر بار.

اگه تو هم بودی فرار می کردی باور کن. هیچکس نمی خواد زندگیش مثل من باشه.



مهم نیست. واقعاً همه ما می خواهیم از نو شروع کنیم.

این همه وقت همه اش حرف زدم؟ وای... منو ببخش. سرتو بردم آقا.



به همین دلیل اومدی اینجا؟

دنبال یه چیزی ام...



...شگفت انگیزه.